



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

## موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی
۲. احکام؛ جهاد، دفاع و هجرت

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پرسش

نویسنده: محمد جواد

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۶

امروز که عصر دعوت مسلمانان به آخرین ریسمان الهی و خلیفه‌ی منتخب خداوند و تنها رابط میان الله و انسان‌ها و تنها امام موحدان خالص است که حاکمیت حکومت الهی بر انسان‌ها را در برابر طاغوت تجلی می‌بخشد، عده‌ای از مستضعفان وارد نهضت «بازگشت به اسلام» با رهبری حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی گردیده‌اند و در این دریای طوفانی با چراغ‌های خود، مسلمانان را امر به معروف و نهی از منکر و به اطاعت از الله و دوری از شرک دعوت می‌کنند. حال از آنجایی که اینان در معرض تعرض طاغوتیان و جاهلان و کج‌فهمان و دلبستگان به قدرت و مقلدان بیمار قرار دارند، اگر جان و مال ایشان از بین برود آیا اجر شهید دارند؟

### پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۷

بی‌گمان کسانی که با مال و جان خود در راه تحقق حاکمیت خداوند بر جهان می‌کوشند، شهیدان زنده‌اند و اگر در این راه کشته شوند بهترین شهیدان شمرده می‌شوند، بلکه در عصر کنونی شهیدی جز آنان وجود ندارد؛ چراکه کسی جز آنان در راه تحقق حاکمیت خداوند بر جهان نمی‌کوشد، بلکه همگان از هر گروه و مذهبی، دانسته یا نادانسته در راه تحقق حاکمیت دیگران بر جهان می‌کوشند و این در حالی است که شهادت تنها در راه تحقق حاکمیت خداوند بر جهان ممکن است؛ چنانکه فرموده است: **«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»**<sup>۱</sup>؛ «کسانی که ایمان آوردند در راه خداوند می‌جنگند و کسانی که کافر شدند در راه طاغوت می‌جنگند» و فرموده است: **«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»**<sup>۲</sup>؛ «و به کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند مردگان نگوئید، بلکه زندگانند

۱. النساء / ۷۶

۲. البقرة / ۱۵۴

ولی شما در نمی‌یابید». با این وصف، کسانی که در راه ایجاد یا حفظ حاکمیت پیشوای داعش یا پیشوای طالبان یا پیشوای سوریه یا پیشوای ایران یا پیشوایانی دیگر در جهان کشته می‌شوند، مردارند و شهید نامیدن آنان فریبی بیش نیست؛ زیرا شهید در اسلام کسی است که در راه ایجاد و حفظ حاکمیت خلیفه‌ی خدا در زمین کشته می‌شود، نه ایجاد و حفظ حاکمیت دیگران و چنین کسی در دوران کنونی جز منصور هاشمی خراسانی و یاران مخلص او که در راه ایجاد و حفظ حاکمیت مهدی می‌کوشند، نمی‌تواند باشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا تَتَعَجَّبُونَ مِنْهُمْ؟! بِسْمُونٍ قَتِيلٍ هَذَا شَهِيدًا وَقَتِيلٌ هَذَا شَهِيدًا وَمَا هُمَا إِلَّا حَيِّفَتَانِ تَهْبُ عَلَيْهِمَا الرِّيحُ! أَلَا وَاللَّهِ مَا الشَّهِيدُ إِلَّا أَنَا وَأَصْحَابِي وَإِنْ مِتْنَا عَلَى فُرْشِنَا»؛ «شنیدم منصور به یاران خود می‌فرماید: آیا از اینان به شگفت نمی‌آیید؟! کشته‌ی این را شهید می‌نامند و کشته‌ی آن را شهید می‌نامند، در حالی که آن دو جز مرداری که باده‌ها بر آن می‌وزند نیستند! آگاه باشید که شهیدی جز من و یارانم نیست اگر چه بر بسترهای خود بمیریم».

از خداوند توفیق شهادت حقیقی در راهش و همراه با زمینه‌ساز ظهور خلیفه‌اش را مسئلت داریم.



### تعليقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۷

نویسنده: علی راضی

پرسش فرعی ۱

در مورد این سؤال و پاسخ آن تعدادی از مخالفان شبهاتی را مطرح کرده‌اند که استدعا دارم به آن‌ها پاسخ داده شود:

۱- اگر علامه خراسانی بر حق هستند و طالب شهادت، پس چرا اذن جهاد و شهادت علیه مفسدانی مثل داعش نمی‌دهند؟ چرا خود سلاح به دست نمی‌گیرند؟

۲- بسیاری از علمای اسلام علیه مفسدان داعش اعلام جهاد کرده‌اند که به وسیله‌ی آن بسیاری از مفسد آن‌ها دفع شده. چرا علامه خراسانی سکوت کرده‌اند؟

۳- برخی مخالفان می‌گویند موضع علامه خراسانی در مقابل قیام‌کنندگان مثل قاعدین در مقابل مجاهدین است و بر طبق قرآن کریم مجاهدین بر قاعدین فضیلت دارند. پاسخ علامه خراسانی به این افراد چیست؟

۴- اقدام عملی مورد نظر علامه خراسانی برای ظهور حضرت مهدی (ع) چگونه و به چه شکل است؟

۵- چطور می‌شود افرادی که با پیروی آگاهانه از علما برای دفع فساد و دفاع از جان و مال و ناموس مسلمانان با مفسدانی مثل داعش می‌جنگند و کشته می‌شوند شهید نباشند؟ اگر چنین نباشد حتی جان علامه خراسانی هم در خطر خواهد بود.

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۸

پاسخ به پرسش فرعی ۱

لطفاً به این تعداد از مخالفان احساساتی و بی‌بصیرت که بنا بر قاعده‌ی یهودی ﴿إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا﴾<sup>۱</sup>، هرگاه چیزی از جناب علامه منصور هاشمی خراسانی را می‌پسندند به او می‌گرایند و هرگاه چیزی از آن جناب را نمی‌پسندند به «تعدادی از مخالفان او» تبدیل می‌شوند، بفرمایید:

اولاً احکام اسلام مانند جهاد، نه تابع اهواء نفسانی و قیاس‌های ظنی و وهمی این زیدی‌مسلمان است و نه مبتنی بر اعلام «بسیاری از علما» که خود با پرستش طاغوت و کتمان آیات خداوند در گذشته، سبب پیدایش «مفسدانی مثل داعش» شده‌اند و اکنون به پیروی از حاکمان ظالم خود و برای حفظ منافع آنان، مقلدان هیجان‌زده و چشم و گوش بسته‌ی خود را وعده‌ی شهادت می‌دهند و روانه‌ی جنگ می‌کنند، بل تابع امر و نهی خداوند و مبتنی بر کتاب او و سنت پیامبر اوست که در سیره‌ی اهل بیت پیامبرش تجلی یافته و تنها مستمسک علامه منصور هاشمی خراسانی است.

ثانیاً ادعای آنکه «علامه خراسانی اذن جهاد و شهادت علیه مفسدانی مثل داعش نمی‌دهند» یا «در برابر آنان سکوت کرده‌اند»، کذب محض و بهتان مبین است؛ چراکه ایشان بارها و به روشنی در برابر داعش موضع گرفته و جهاد با مفسدانی مانند آنان را واجب شمرده و سزای عملشان را این دانسته است که «کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان به خلاف هم بریده شود یا از زمین رانده شوند»<sup>۲</sup> و فرموده است: «من اگر در زمین تمکن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند»<sup>۳</sup>، با این تفاوت که ایشان جهاد را نه تنها با داعش، بلکه با همه‌ی مفسدان واجب می‌داند و جهاد با برخی مفسدان در زیر پرچم مفسدانی دیگر را جایز نمی‌داند؛ چنانکه فرموده است: «سلب حاکمیت از ظالم برای تفویض آن به ظالمی دیگر جایز نیست؛ چراکه این کار مخالفت

۱. المائدة / ۴۱

۲. بازگشت به اسلام، ص ۲۶۴

۳. همان، ص ۲۶۴



و مقابله با ظالم شمرده نمی‌شود، بلکه ابقاء او در صورتی دیگر است»<sup>۱</sup>. از اینجا دانسته می‌شود که مراد آن بزرگوار از نکوهش جنگ کنندگان با داعش در زیر پرچم داعش‌های دیگر، نهی از جهاد با داعش نیست، بل امر به جهاد مشروع با آنان است که جز در معیت رهبری عادل و مستقل از حاکمان ظالم و در پی زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، ممکن نیست و این مبتنی بر مبنای آن بزرگوار در باب «**ضرورت اقامه‌ی کل اسلام**» است که اقامه‌ی جزئی از اسلام بدون اقامه‌ی سایر اجزاء آن را بی‌فایده، بلکه خطرناک می‌داند، نه به این معنا که همان جزء نیز باید ترک شود، بل به این معنا که سایر اجزاء نیز باید اقامه شوند.

ثالثاً سیره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی در همه‌ی زمینه‌ها مشابه سیره‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و با این وصف، عجیب نیست که به اتهاماتی مشابه اتهامات آنان متهم می‌شود. به عنوان نمونه، متهم شدن آن جناب به ترک جهاد و پیوستن به قاعدین، مشابه متهم شدن امام علی بن حسین به آن است؛ چنانکه روایت شده است عبّاد بصری در راه مکه به آن حضرت گفت: «**يَا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ! تَرَكْتَ الْجِهَادَ وَ صُعُوبَتَهُ وَ أَقْبَلْتَ عَلَى الْحَجِّ وَ لَيْتَنِيهِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُودًا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾**»؛ «ای علی بن حسین! جهاد و سختی آن را ترک کردی و به حج و آسانی آن روی آوردی، در حالی که خداوند فرموده است: >هرآینه خداوند از مؤمنان جان‌ها و مال‌هاشان را خرید در ازای اینکه برایشان بهشت باشد، در راه خداوند می‌جنگند، پس می‌کشند و کشته می‌شوند، وعده‌ای راستین بر او در تورات و انجیل و قرآن و چه کسی از خداوند به عهد خود وفادارتر است؟! پس به داد و ستدی که با او کردید شادمان باشید؛ چراکه آن پیروزی بزرگ است»<sup>۲</sup>! آن حضرت فرمود: «**أَتَيْمُ الْآيَةِ**»؛ «آیه را کامل کن!» عبّاد گفت: «**التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ**»؛ «بازگشت کنندگان، عبادت کنندگان، ستایش کنندگان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجود کنندگان، امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر و نگاه دارندگان حدود خداوند و مؤمنان را بشارت بده»<sup>۳</sup>! آن حضرت فرمود: «**إِذَا ظَهَرَ هَؤُلَاءِ لَمْ نُؤْتِرْ عَلَى الْجِهَادِ شَيْئًا**»؛ «هرگاه چنین کسانی پیدا شوند چیزی را بر جهاد ترجیح نمی‌دهیم»<sup>۴</sup>. بدین سان سایر ائمه‌ی اهل بیت نیز به همین اتهام متهم شدند؛ چنانکه روایت شده است عبد الملک بن عمرو پس از اینکه امام جعفر بن محمد از

۱. همان، ص ۶۳

۲. التوبة / ۱۱۱

۳. التوبة / ۱۱۲

۴. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۲۲؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۱۳۴

جهاد با کافران در لشکر ظالمان نهی فرمود، به آن حضرت گفت: «إِنَّ الزَّيْدِيَّةَ يَقُولُونَ لَيْسَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ جَعْفَرٍ خِلَافٌ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَزِي الْجِهَادَ»؛ «زیدی‌ها می‌گویند میان ما و جعفر اختلافی وجود ندارد جز اینکه او معتقد به جهاد نیست»! آن حضرت با تعجب فرمود: «أَنَا لَا أَرَاهُ؟! بَلَى وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَاهُ وَلَكِنْ أَكْزَرُهُ أَنْ أَدْعَ عَلْمِي إِلَى جَهْلِهِمْ»؛ «من معتقد به جهاد نیستم؟! نه به خدا سوگند، من معتقد به آن هستم، ولی نمی‌خواهم علم خود را به خاطر جهل آنان واگذارم»<sup>۱</sup>. این همان رویکرد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رویکرد شاگرد اول مکتب آنان منصور هاشمی خراسانی است و با این وصف، هر کس اتهام عبّاد بصری به علی بن حسین و اتهام زیدیّه به جعفر بن محمد را به منصور هاشمی خراسانی وارد می‌کند، پاسخ منصور هاشمی خراسانی به او همان پاسخ علی بن حسین و جعفر بن محمد است.

رابعاً کسانی که در لشکر ظالمان و زیر پرچم حاکمان گوناگون با داعشیان می‌جنگند، تفاوت چندانی با داعشیان ندارند؛ چراکه اگر داعشیان شهادتین می‌گویند و نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند و با انگیزه‌ی جهاد، از برخی طاغوت‌های منطقه فرمان می‌برند و برای تثبیت حاکمیت و تأمین منافع رهبر خود می‌کشند و کشته می‌شوند، کسانی که با آنان می‌جنگند نیز مانند آنان شهادتین می‌گویند و نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند و با انگیزه‌ی جهاد، از برخی طاغوت‌های منطقه فرمان می‌برند و برای تثبیت حاکمیت و تأمین منافع رهبر خود می‌کشند و کشته می‌شوند. با این وصف، تفاوتی میان آن دو در نزد خداوند و اولیاء او وجود ندارد، جز اینکه داعشیان ابتداء به جنگ کرده‌اند و در زمین فساد می‌انگیزند و با این وصف، از دیگران گمراه‌تر و ستمکارترند، ولی این مجوزی برای جنگ با آنان در لشکر ظالمان و زیر پرچم حاکمان گوناگون نیست؛ چراکه چنین جنگی اگرچه با طاغوت است، در راه خداوند شمرده نمی‌شود، بلکه در راه طاغوت است و با این وصف، کسانی که در آن کشته می‌شوند، شهید نیستند. آری، جنگ با داعشیان تنها در لشکر منصور و زیر پرچم سیاه او که پرچم زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است جایز است و هر جنگی با آنان در صفوفی دیگر، نهایتاً به سود ظالمان تمام خواهد شد و پایه‌های حکومت طواغیت را محکم خواهد کرد.

خامساً اقدام عملی علامه خراسانی برای ساختن زمینه‌ی ظهور مهدی، تابعی از کیفیت و کمیت حمایت مسلمانان از این بزرگوار است. توضیح آنکه اگر مسلمانان، مانند شما و دوستانتان به گونه و اندازه‌ی کافی از این بزرگوار حمایت نکنند، به معنای آن است که هنوز برای ظهور مهدی آمادگی پیدا نکرده‌اند و با این وصف، ظهور آن حضرت برای آنان بر خلاف حکمت است، ولی اگر آنان بر خلاف شما و دوستانتان، به گونه و اندازه‌ی کافی از این بزرگوار حمایت کنند، ایشان همه‌ی اقدامات لازم برای ساختن زمینه‌ی ظهور مهدی را مطابق با مبنا و منهجی که در کتاب شریف

۱. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۱۹؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۱۲۷



«بازگشت به اسلام» تبیین فرموده است، انجام می دهد و امید می رود که بتواند آن حضرت را برای ظهوری به موقع و موفق متقاعد سازد و توفیق شان تنها از جانب خداوند است.

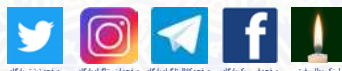


پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد  
مجلس شورای اسلامی ایران



[www.alkhorasani.com](http://www.alkhorasani.com)

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.